

Investigating The Moderating Role of Good Governance in the Impact of Human Capital on Economic Growth in the MENA Region Countries¹

Ebrahim Bahrami Nia², Reza Shamsollahi³, Ali Younesi⁴, Mohamad Mahdi Zareh Shahne⁵

Received: 2024/09/16

Accepted: 2025/04/23

Abstract

Good governance, through the promotion of human capital, as an opportunity to attract domestic and foreign investment, enhance economic security and improve the business environment, has a positive influence on increasing economic growth. Accordingly, this study aims to examine the moderating role of good governance in the impact of human capital on economic growth, whereas in countries of the MENA region over the period 2000-2022. For this purpose, the countries of the MENA region were classified into three groups based on the composite governance index with high, medium and low governance indices, and using cross-sectional data, the relationship between the dependent variable of economic growth and the independent variable of human capital accumulation and other control variables in all three groups of countries was tested. The results show that in countries with high and medium governance levels, human capital has a positive effect on economic growth. In countries with low governance indicators, human capital had no effect on economic growth; Therefore, in addition to paying attention to the issue of improving human capital, policymakers should also pay attention to the components of good governance, as it is under conditions of good governance that the knowledge, skills, and abilities of human resources can be used in economic growth and development.

Keywords: Governance, Human Capital, Economic Growth, MENA Region.

JEL Classification: E24 C22.

1. doi: 10.22051/ieda.2025.48236.1438

2. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Management, Economics and Accounting, Payam Noor University, Tehran, Iran. Corresponding Author. Email: e_bahraminia@pnu.ac.ir.

3. M.Sc. Department of Science in Economics, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran. Email: reza.shamsollahi72@gmail.com

4. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Management, Economics and Accounting, Payam Noor University, Tehran, Iran. Email: a_younessi@pnu.ac.ir.

5. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Management, Economics and Accounting, Payam Noor University, Tehran, Iran. Email: mm.zareh59@pnu.ac.

مقاله پژوهشی

بررسی نقش تعدیل‌گر حکمرانی خوب در تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در کشورهای منطقه منا^۱

ابراهیم بهرامی نیا^۲، رضا شمس‌اللهی^۳، علی یونسی^۴ و محمد مهدی زارع شحنه^۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۶

چکیده

حکمرانی خوب از طریق ارتقاء سرمایه انسانی، به‌عنوان فرصتی برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، امنیت اقتصادی و بهبود محیط کسب‌وکار بر افزایش رشد اقتصادی تأثیرگذار است. در این راستا هدف این پژوهش بررسی نقش تعدیل‌گر حکمرانی خوب در تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در کشورهای منطقه منا در دوره زمانی ۲۰۲۲-۲۰۰۰ است. بدین منظور کشورهای منطقه منا بر اساس شاخص ترکیبی حکمرانی در سه گروه با شاخص حکمرانی بالا، متوسط و پایین تقسیم شده و با استفاده از داده‌های مقطعی ارتباط بین متغیر وابسته رشد اقتصادی با متغیر مستقل انباشت سرمایه انسانی و دیگر متغیرهای کنترل در هر سه گروه کشورها مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد در آن دسته از کشورهایی که از نظر شاخص‌های حکمرانی در سطح بالا و متوسط هستند، سرمایه انسانی تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته است. کشورهایی که دارای شاخص‌های حکمرانی پایین هستند، سرمایه انسانی تأثیری بر رشد اقتصادی نداشته است؛ بنابراین سیاست‌گذاران در کنار توجه به مقوله بهبود سرمایه انسانی به مؤلفه‌های حکمرانی خوب نیز توجه داشته باشند؛ چراکه در شرایط حکمرانی خوب است که می‌توان از دانش، مهارت و توانایی‌های نیروی انسانی در رشد و توسعه اقتصادی استفاده کرد.

واژگان کلیدی: حکمرانی، سرمایه انسانی، رشد اقتصادی، منطقه منا.

طبقه‌بندی موضوعی: E24, C22.

۱. کد DOI مقاله: 10.22051/ieda.2025.48236.1438

۲. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. نویسنده مسئول.

Email: e_bahraminia@pnu.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد، گروه علوم اقتصادی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران.

Email: reza.shamsolahy72@gmail.com

۴. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. Email: a_younessi@pnu.ac.ir

۵. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. Email: mm.zare59@pnu.ac.ir

مقدمه

سرمایه و اشکال آن یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی شناخته می‌شوند. در میان اشکال سرمایه، سرمایه انسانی به معنای ثروت در کار، مهارت و دانش است. همچنین سرمایه انسانی فرآیند به‌کارگیری دانش، خلاقیت و نوآوری است که افراد با هدف سرمایه‌گذاری و بهبود در کسب و کار خود انتخاب می‌کنند؛ بنابراین سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی به یکی از مهم‌ترین انواع سرمایه‌گذاری‌ها در اقتصاد تبدیل شده است که بر رشد و توسعه اقتصادی تأثیرگذار است (مظفری، ۱۴۰۱). بنابراین علاقه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران اقتصادی در دهه‌های اخیر به تحلیل و بررسی تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است؛ به‌طوری‌که دیدگاه‌های اولیه در این رابطه به مطالعات مینسرها (۱۹۵۸)، شولتز^۲ (۱۹۶۱) و بکر^۳ (۱۹۶۲) برمی‌گردد که معتقدند سرمایه انسانی از طریق سرمایه‌گذاری در آموزش و بهداشت منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌شود (آمنا و همکاران^۴، ۲۰۲۰). سرمایه انسانی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیرگذار باشد. انباشت سرمایه انسانی به‌طور مستقیم منجر به افزایش تولید و رشد اقتصادی می‌گردد (اثر سطح). اگر سرمایه انسانی از طریق انتشار و پذیرش فناوری‌های جدید منجر افزایش پیشرفت فنی در فرآیند تولید شود، به‌طور غیرمستقیم بر افزایش تولید و رشد اقتصادی تأثیرگذار است (اثر نرخ) (عربی و عبدالله^۵، ۲۰۱۳)؛ بنابراین تأثیر غیرمستقیم سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی از طریق پذیرش و به‌کارگیری فناوری‌های نوآور است که از طریق توانمندی‌های اجتماعی یک کشور که شامل عواملی مثل کیفیت نهادها و حاکمیت است که این تأثیر با توجه به ساختار حاکمیتی در هر کشور می‌توان متفاوت باشد. (ژانگ و همکاران^۶، ۲۰۲۱).

نهاد‌های موجود در جامعه نقش تعیین‌کننده‌ای بر سرمایه انسانی دارند. چگونگی رفتارهای این نهادها در برخورد با مردم، فرصت‌های متنوعی را پیش‌روی آن‌ها خواهد گذاشت. این نهادها توانایی این را دارند که در تحقق آزادی‌های مورد نظر مردم فعال حاضر شوند. مجموعه کمک‌های دولت جهت توفیق این نهادها معمولاً با مفهوم «حکمرانی خوب» شناخته می‌شود. مفهوم حکمرانی خوب از ۱۹۹۰ در ادبیات اقتصادی مورد توجه قرار گرفت. زمانی که نهاد‌های بین‌المللی تشخیص دادند کشورهای و درحال توسعه و کمتر توسعه‌یافته موانع متعددی پیش‌روی رشد و توسعه اقتصادی خود دارند، حکمرانی خوب و مؤلفه‌های آن جایگاه خود را به‌عنوان یکی از عوامل پیش‌ران رشد و توسعه اقتصادی پیدا کرد (بایر^۷، ۲۰۱۶). بدین ترتیب امروزه حکمرانی خوب به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر افزایش رشد و توسعه اقتصادی شناخته می‌شود. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بر این عقیده‌اند که حکمرانی خوب یک ضرورت حیاتی برای بهبود و تحقق

1. Minser
2. Schultz
3. Becker
4. Amna *et al.*
5. Arabi & Abdullah
6. Zhang *et al.*
7. Bayar



اهداف رشد و توسعه اقتصادی است. حکمرانی خوب^۱ از طریق به‌کارگیری شاخص‌های حق اظهارنظر و پاسخگویی^۲، ثبات سیاسی^۳، کارایی و اثربخشی دولت^۴، کیفیت مقررات^۵، حاکمیت قانون^۶ و کنترل فساد^۷ از طریق ارتقاء سرمایه انسانی در جامعه، به‌عنوان فرصتی برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، امنیت اقتصادی و بهبود محیط کسب‌وکار، بر افزایش رشد اقتصادی تأثیرگذار است. (محمد و همکاران^۸، ۲۰۱۵).

در پژوهش‌های داخلی از جمله افقه و همکاران (۱۴۰۱)، مظفری (۱۴۰۰)، نگین تاجی و زمان زاده (۱۴۰۰)، کمالی دهکردی و همکاران (۱۳۹۸)، قیاسی و همکاران (۱۳۹۷) و در پژوهش‌های خارجی محمد^۹ (۲۰۲۲)، جمیل و نعیم^{۱۰} (۲۰۱۶)، اوسیوب^{۱۱} (۲۰۱۹)، آتلاش و کاکیر^{۱۲} (۲۰۱۶)، کارتال و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۷)، وانگ و لیو^{۱۴} (۲۰۱۶) و پلینسکو^{۱۵} (۲۰۱۵) تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما در هیچ‌یک از این مطالعات تجربی نقش تعدیل‌گر حکمرانی خوب در تأثیر بین سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی مورد توجه قرار نگرفته است؛ بنابراین تمایز این پژوهش نسبت به مطالعات قبلی ارزیابی نقش تعدیل‌گر حکمرانی خوب در ارتباط با تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی است. لذا در این پژوهش به دنبال پاسخ این سؤال هستیم که نقش متغیر تعدیل‌گر حکمرانی خوب بر میزان تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در کشورهای منطقه منا چگونه است؟

سازمان‌دهی مقاله این‌گونه است: بعد از ارائه مقدمه، بخش دوم به مبانی نظری اختصاص یافته است و نقش تعدیل‌گر حکمرانی خوب در ارتباط با سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی مورد تحلیل قرار گرفته است. در بخش سوم مروری بر مطالعات تجربی داخلی و خارجی مرتبط با موضوع پژوهش ارائه می‌شود. در بخش چهارم به توصیف متغیرها و روش‌شناسی اختصاص یافته است. در بخش پنجم به تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تجربی پرداخته می‌شود. بحث، نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی در بخش پایانی ارائه شده است.

مبانی نظری

1. Governance
2. Voice and Accountability
3. Political Stability
4. Efficiency & Effectiveness Government
5. Quality & Regulation
6. Rule of Law
7. Corruption Control
8. Muhammad *et al.*
9. Mohamed
10. Jameel & Naeem
11. Osioibe
12. Alataş & Çakır
13. Kartal *et al.*
14. Wang & Liu
15. Pelinescu

۱. حکمرانی خوب

پیدایش مفهوم حکمرانی خوب از ۱۹۹۰ مطرح گردیده است. در مفهوم حکمرانی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در ساختار افقی و در کنار یکدیگر به صورت متوازی قرار گرفته‌اند. به طوری که در این ساختار ماهیت دولت حقوقی و سیاسی است و سرمایه‌های اجتماعی در ارتباط با دولت و با یکدیگر در قالب الگوی شبکه‌ای از ارتباط متقابل فعالیت دارند. حکمرانی خوب در جامعه باعث حذف تفکرات عمودی شده و اجزاء سرمایه اجتماعی به طور هوشمندانه در قالب شبکه و با روش‌های نوین ارتباطی با هم در ارتباط و وابستگی متقابل قرار داشته باشند. لیون^۱ (۲۰۰۰) حکمرانی خوب را مدیریت اثربخش منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور می‌داند. بانک توسعه‌ی آفریقا حکمرانی خوب را به‌عنوان سیاست رسمی حکومت‌ها تعریف کرده است که در آن حکمرانی خوب از چهار اصل پاسخگویی، شفافیت، قابلیت پیش‌بینی و مشارکت تشکیل شده است. بانک جهانی حکمرانی خوب را به‌کارگیری از قدرت در مدیریت منافع اقتصادی و اجتماعی کشور برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی مطرح کرده است. در مفاهیم نوین حکمرانی با مؤلفه‌های دموکراسی، عدالت‌محوری، مشارکت، اثربخشی، حاکمیت قانون و کنترل فساد تعریف شده است (وانلی^۲، ۲۰۲۳).

۲. تأثیرگذاری مؤلفه‌های حکمرانی خوب در ارتباط با تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی

حق اظهارنظر و پاسخگویی: در مورد رابطه بین دموکراسی و عملکرد اقتصادی دیدگاه‌های متفاوتی مطرح است. بر اساس نظر بارو^۳ (۱۹۹۹) بین دموکراسی و تأثیر آن بر اقتصاد یک رابطه به شکل U برقرار است. اگر در کشوری نظام دیکتاتوری کامل برقرار باشد، بهبود در حقوق سیاسی در جامعه افزایش و از قدرت مطلقه دیکتاتوری کاسته می‌شود و در نتیجه هم سرمایه انسانی بالقوه در جامعه می‌تواند به راحتی رشد و ارتقا یابد و هم از مهاجرت نخبگان جلوگیری شود و ماندن سرمایه انسانی در جامعه منجر می‌شود که بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت داشته باشد. از سوی دیگر در کشورهایی که از سطح حقوق سیاسی بالایی برخوردار نیستند، افزایش حقوق سیاسی به دلیل افزایش توجه مردم و دولت به برنامه‌های تأمین اجتماعی و اشکال مختلف توزیع مجدد درآمد منجر تضعیف سرمایه انسانی تحصیل کرده می‌شود، کاهش سرمایه انسانی تحصیل کرده در فرآیند تولید به کاهش رشد اقتصادی خواهد منجر شود (بوزکرت و همکاران^۴، ۲۰۱۸). آزادی شهروندان برای اظهارنظر و پاسخگویی دولت‌مردان به از طریق بهبود عملکرد دولت، ایجاد ثبات سیاسی، انباشت سرمایه فیزیکی و انباشت سرمایه انسانی بر رشد و توسعه اقتصادی تأثیرگذار است (جنتی مشکانی و همکاران، ۱۳۹۰).

1. Lyon
2. Vanli
3. Barro
4. Bozkurt et al.



اعتراض و پاسخگویی به مفهوم توانایی شهروندان یک کشور در تعیین و انتخاب دولت است. این شاخص از طرف دیگر نمایانگر میزان آزادی بیان، آزادی احزاب و تشکلهای و اجتماعات و آزادی رسانه‌های جمعی است. بر اساس این شاخص، هرچه مردم در یک جامعه نقش بیشتری در تعیین حکمرانان داشته باشند، حضور و نقش احزاب و تشکلهای و انجمن‌ها و نظایر آنها در جامعه بیشتر باشد و رسانه‌های جمعی استقلال داشته باشند و افرادی که زمامدار حاکمیت هستند و قدرت را در جامعه در اختیار دارند، پاسخگویی اعمال خود باشند و افراد مختلف بتوانند آزادانه فعالیت و نظر خود را بیان کنند، نشان‌دهنده وضعیت بهتری از حکمرانی خوب است که در فرآیندهای اقتصادی منجر به رشد اقتصادی می‌شود. در جوامعی که شهروندان از آزادی‌های مدنی بیشتری برخوردار هستند، حکومت نسبت به نیازهای اولیه شهروندان پاسخگوتر است و سیاست‌هایی را انتخاب می‌کند که انباشت سرمایه انسانی را افزایش دهد؛ بنابراین ارتقاء سرمایه انسانی از یک سو با سطوح بالاتر تولید در ارتباط است و از سوی دیگر تقاضا برای دموکراسی را افزایش می‌دهد که این عامل منجر به افزایش مسئولیت حکمرانان در برابر پاسخگوتر شدن در برابر شهروندان می‌شود (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶).

کنترل فساد: از نظر لیف^۱ (۱۹۶۴)، هانتینگتون^۲ (۱۹۶۸)، لی و همکاران^۳ (۲۰۰۰)، دی سوتو و همکاران^۴ (۱۹۸۹) و وی^۵ (۲۰۰۰) کنترل فساد با جلوگیری از پرداخت رشوه به کارکنان دولتی و بخش عمومی و کاهش فعالیت‌های رانتی به نفع کارآفرینان می‌شود. ارتقاء کارآفرینان در جامعه منجر می‌شود که سرمایه انسانی در فرآیند تولید توانمندتر شوند و رشد اقتصادی افزایش یابد. از دیدگاه مائورو^۶ (۱۹۹۷)، تانزی و داوودی^۷ (۱۹۹۸)، ولش^۸ (۲۰۰۴)، مو^۹ (۲۰۰۱)، پلگرینی و گرلاگ^{۱۰} (۲۰۱۴) و سها و سن^{۱۱} (۲۰۱۹) فساد از طریق کاهش سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و تخصیص نادرست هزینه‌های دولت در بخش آموزش و بهداشت به دلیل افزایش فشارهای سیاسی منجر می‌شود که دولت بجای افزایش هزینه‌های آموزش و بهداشت در مناطق کمتر توسعه‌یافته، در طرح‌های اقتصادی دیگر سرمایه‌گذاری را انجام دهد و بدین ترتیب منجر به کاهش رشد اقتصادی در مناطق کمتر توسعه‌یافته شود. در اقتصادهای وابسته به منابع طبیعی (نفت و گاز) فساد باعث انحراف منابع به‌ویژه سرمایه انسانی از فعالیت‌های نوآورانه به فعالیت‌های غیرمولد و رانت‌جویی و ... می‌شود (صالحی فریدونی و همکاران، ۱۳۹۹؛ کاکس و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۸).

1. Leff
2. Huntington
3. Li *et al.*
4. De Soto *et al.*
5. Wei
6. Mauro
7. Tanzi & Davoodi
8. Welsch
9. Mo
10. Pellegrini & Gerlagh
11. Saha & Sen
12. Cox *et al.*

نهادینه کردن ساختار شفافیت و کنترل فساد در ساختار اداری و حقوقی دولت با هدف دستیابی به عملکرد بهتر دولت باعث تقویت رفتار کارکنان دولت در برخورد با شهروندان، ارباب‌رجوع و سایر اقشار جامعه شده و در نتیجه با کاهش هزینه‌های معاملاتی، افزایش سرمایه‌گذاری مولد، عرضه کل و تولید یا به معنای دیگر افزایش رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت (حیدری و علی‌نژاد، ۱۳۹۴).

ثبات سیاسی: نبود ثبات سیاسی حاکم در جامعه منجر می‌شود سرمایه‌انسانی از طریق فرار مغزها، رشد اقتصادی در کشور مبدأ را کاهش دهد. نیروهای کار مهاجر که از سرمایه‌انسانی بالقوه که سال‌ها از هزینه‌های آموزشی دولت و خانوار بهره‌مند شدند، به‌جای آنکه در تولید کشور نقش داشته باشند، با مهاجرت از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته، برای کشور مبدأ یک زیان و برای کشورهای مقصد یک سرمایه آماده و بدون هزینه محسوب می‌شود که این فرآیند منجر به کاهش رشد اقتصادی در کشور مبدأ و افزایش رشد اقتصادی کشور مقصد می‌شود (صالحی فریدونی و همکاران، ۱۳۹۹؛ کاکس و همکاران، ۲۰۱۸).

بی‌ثباتی سیاسی جدای از نوع و شدت، همواره از طریق سوء مدیریت که ناشی از منازعات درون حزبی و بیرون حزبی است، ساختار اقتصاد را منحرف می‌سازد. این سوء مدیریت باعث می‌شود که سرمایه‌انسانی در فرآیند تولید توانایی لازم را نداشته باشد و سرعت رشد اقتصادی کند شود. همچنین بی‌ثباتی سیاسی از کانال بازار نیروی کار می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیرگذار باشد و مطابق با بررسی‌ها این اثر منفی است (شاه‌آبادی و بهاری، ۱۳۹۲).

کیفیت بوروکراسی: این شاخص بیانگر مفاهیمی چون مقررات دست و پاگیر، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست‌های رقابتی، موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای و دسترسی به بازارهای سرمایه است. مقررات کارا اهداف رفاه اجتماعی وضع شده توسط دولت را با هزینه کمتر محقق می‌سازد. هزینه‌های اقتصادی بوروکراسی اداری به دو شکل کلی نمایان می‌شود: ۱) هزینه‌های مستقیم مدیریت سیستم قانون‌گذاری که در داخل دولت و از طریق تخصیص‌های بودجه‌ای در قالب‌های مقرراتی درونی شده است. ۲) هزینه‌های پذیرش مقررات که برای قانون‌گذار برون‌زا است و بر دوش تولیدکننده و مصرف‌کننده می‌افتد که به صورت انطباق با قوانین یا طفره رفتن از پذیرش آن‌ها است. هر چه میزان کیفیت بوروکراسی در جامعه ضعیف باشد، منجر به تضعیف سرمایه‌انسانی در فرآیند تولید شده که نتیجه آن کاهش رشد اقتصادی است (کرنل و همکاران^۱، ۲۰۲۰).

افزایش کیفیت بوروکراسی و بهبود وضعیت قوانین و مقررات کارآمد باعث تقویت سرمایه‌انسانی شده و می‌تواند بر عملکرد اقتصاد مؤثر باشد. از سوی دیگر وجود قوانین و مقررات اختلال‌زا در مسیر راه‌اندازی کسب و کارها، باعث افزایش تعداد مجوزها و موافقت‌نامه‌های دولتی، محدودیت‌های تجاری، افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و کاهش انگیزه‌های کارآفرینان شده و در نهایت باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود (شاگری و همکاران، ۱۳۹۳).

اثربخشی دولت: برای محاسبه شاخص کارایی دولت گروهی از شاخص‌های مرتبط مثل کیفیت خدمات عمومی، چگونگی بوروکراسی و تشریفات اداری کارمندان دولتی، عدم وابستگی خدمات اجتماعی به فشارهای سیاسی و میزان تعهد دولت به اجرای سیاست‌ها در نظر گرفته می‌شود (عالم و همکاران^۱، ۲۰۱۷).

در دیدگاه مطلوب نهادگرایان دولت عبارت از دولتی کارآمد و شفاف است که با نهادسازی مناسب، توسعه را به سمت جلو هدایت می‌کند، حقوق مالکیت را پاس داشته، مانع فعالیت رانت‌خواران سودجو خواهد بود و با تنظیم قوانین و مقررات مناسب هزینه مبادلات افراد را کاهش می‌دهد و منجر به تقویت سرمایه انسانی کارا و مانع از خروج آن‌ها (فرار مغزها) از کشور می‌شود. ماندن سرمایه انسانی کارا در کشور منجر می‌شود که سرمایه انسانی تأثیر مثبتی در تولید داشته و منجر به رشد اقتصادی شود (صادقی و همکاران، ۱۳۹۰).

افزایش کارآمدی دولت باعث دستیابی مردم به خدمات عمومی مثل آموزش و بهداشت شده و باعث تقویت و افزایش سرمایه انسانی شده و از این طریق رشد اقتصادی افزایش خواهد یافت. همچنین کارایی دولت از طریق به حداقل رساندن سرمایه انسانی مازاد و درعین حال متناسب‌سازی سرمایه انسانی در یک سازمان، از بزرگ شدن اندازه سازمان‌های دولتی جلوگیری کرده و باعث می‌شود سازمان‌های دولتی عاری از فساد گردند و این فرآیند باعث کاهش انگیزه کارمندان دولت برای دریافت حقوق و مزایایی اضافی از طریق دریافت رشوه می‌شود و در نتیجه با جلوگیری از تحمیل هزینه‌های اضافی به بخش خصوصی در افزایش سطح تولید و رشد اقتصادی بی‌تأثیر نخواهد بود (حیدری و علی‌نژاد، ۱۳۹۴).

پیشینه پژوهش

۳. مروری بر مطالعات تجربی داخلی

رحمانی فضلی و همکاران (۱۴۰۲) برای انتخابی از کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته طی دوره ۲۰۰۹-۲۰۲۰ با استفاده از روش خودرگرسیون با وقفه‌های پانلی (*Panel ARDL*) به این نتیجه دست یافتند که متغیرهای موجودی سرمایه، نیروی کار و درجه باز بودن اقتصاد در هر دو گروه از کشورها در دوره بلندمدت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته‌اند و منجر به افزایش رشد اقتصادی شده‌اند.

افقه و همکاران (۱۴۰۱) تأثیر رشد جمعیت و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی ایران برای دوره ۱۳۹۸-۱۳۶۹ با روش الگوی خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن است که لگاریتم ثبت‌نام در مدارس مقطع متوسطه اثری بر رشد اقتصادی نداشته است. لگاریتم امید به زندگی و لگاریتم رشد جمعیت اثر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی داشته‌اند.



حسینی و همکاران (۱۴۰۱) برای منتخبی از کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته طی دوره ۲۰۱۷-۱۹۹۵ و الگوی گشتاورهای تعمیم یافته نشان دادند که سرمایه انسانی، جهانی شدن، نیروی کار و سرمایه گذاری منجر به افزایش رشد اقتصادی شده است.

مظفری (۱۴۰۰) اثر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از تکنیک منطق فازی و الگوی اقتصادسنجی GMM سری زمانی برای دوره ۱۳۹۸-۱۳۶۰ مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاکی از آن است که ارتقاء سرمایه انسانی (آموزش، مهارت و بهداشت) تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته است. متغیرهای مخارج دولت، سرمایه فیزیکی، صنعتی شدن و رشد اقتصادی دوره قبل بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت و شهرنشینی و آزادی تجاری تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته است.

دهقان شبانی و همکاران (۱۳۹۸) تأثیر آستانه‌ای سطح توسعه در اثرگذاری سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۸۰ را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که دو مقدار آستانه برای سطح توسعه وجود دارد که مقدار آستانه اول سطح توسعه $3/8134$ و مقدار آستانه دوم $5/460$ است و چنانچه سطح توسعه کمتر از $3/8134$ باشد سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی تأثیرگذار نخواهد بود؛ اما اگر سطح توسعه بین $3/8134$ و $5/460$ باشد، با افزایش یک درصد سرمایه انسانی، رشد اقتصادی $0/08$ درصد رشد خواهد داشت و چنانچه سطح توسعه بالاتر از $5/460$ باشد، با افزایش یک درصدی سرمایه انسانی، رشد اقتصادی $0/175$ درصد رشد خواهد داشت.

قیاسی و همکاران (۱۳۹۷) تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی استان‌های ایران برای دوره ۱۳۹۴-۱۳۸۴ با استفاده از داده‌های پانل مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن است که مخارج بهداشتی و آموزشی خانوار، نرخ امید به زندگی و نرخ باروری منجر به افزایش رشد اقتصادی شده و افزایش یک درصدی نرخ مرگومیر منجر به کاهش $0/43$ درصدی رشد اقتصادی شده است.

رجب‌زاده مغانی و همکاران (۱۳۹۴) تأثیر سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در منتخبی از کشورهای منا با استفاده از روش GMM طی دوره زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ مورد بررسی قرار دادند. نتایج به دست آمده از حاکی از آن است که یک درصد افزایش در مخارج بهداشتی و مخارج آموزشی به ترتیب به افزایش $0/68$ و $0/05$ درصد در نسبت رشد اقتصادی منجر می‌شود. همچنین، در این برآورد نسبت تعدیل رشد اقتصادی برابر با $0/59$ بود و این نشان می‌دهد که در هر سال 59 درصد از شکاف بین مقدار واقعی رشد اقتصادی و مقدار مطلوب آن از بین می‌رود.

۳. پیشینه خارجی

ژانگ و همکاران^۱ (۲۰۲۳) اثر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی را با استفاده از داده‌های کلان در سطح استان‌ها و داده‌های خرد نیروی کار فردی در استان‌های چین طی دوره ۲۰۱۷-۲۰۰۸ مورد بررسی قرار

داده‌اند و نتایج حاکی از آن است که شاخص کیفیت سرمایه انسانی باعث افزایش همگرایی رشد اقتصادی شده است.

لیو و همکاران^۱ (۲۰۲۳) تأثیر سرمایه انسانی بر رشد سبز^۲ در چین را طی دوره ۲۰۱۹-۱۹۹۱ با روش خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاکی از آن است که سطوح مختلف آموزش تأثیر مثبت بر رشد سبز داشته است. سایر یافته‌ها حاکی از آن است که مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر، اینترنت و توسعه مالی منجر به افزایش رشد سبز شده است.

اوگبیفون و شوبنده^۳ (۲۰۲۲) تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و تجاری طی دوره ۲۰۱۸-۱۹۸۶ با روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن است که سرمایه انسانی تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته است. متغیرهای نرخ پس‌انداز و باز بودن تجاری تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته است.

یانگ^۴ (۲۰۲۰) ارتباط بین هزینه‌های بهداشتی دولت، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه را طی دوره ۲۰۱۶-۲۰۰۰ با بهره‌گیری از داده‌های پانل مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاکی از آن است که هنگامی که سرمایه انسانی در سطح پایینی است، هزینه‌های بهداشتی دولت به‌طور قابل توجهی همبستگی منفی داشته است. هنگامی که سرمایه انسانی بالا است تأثیر مخارج بهداشتی دولت بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار است.

احمد و خان^۵ (۲۰۱۸) تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی منتخبی از کشورهای درحال توسعه را برای دوره ۲۰۱۴-۱۹۶۰ با بهره‌گیری از داده‌های پانل مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که تغییرات در ساختار سنی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت داشته است.

محمد و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی نقش سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در کشورهای با شاخص‌های مختلف حکمرانی در دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۱۱ برای ۱۳۴ کشور پرداختند. در این مطالعه برای شاخص حکمرانی برای بیان حکمرانی شش شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت در نظر گرفته شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد در کشورهای با سطح حکمرانی پایین رابطه بین سرمایه انسانی و رشد اقتصادی معنی‌دار نیست؛ اما در کشورهای با سطح حکمرانی متوسط و بالا این متغیرها معنی‌دار است.

1. Liu *et al.*

۲. رشد سبز اصطلاحی برای توصیف مسیری از رشد اقتصادی است که با استفاده از منابع موجود در طبیعت به صورت بنیادی و پایدار ایجاد می‌شود. این موضوع جایگزین رشد اقتصادی معمول مورد استفاده قرار می‌گیرد.

3. Ogbeifun & Shobande

4. Yang

5. Ahmad & Khan



سارور و همکاران^۱ (۲۰۲۱) تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی کامرون طی دوره ۲۰۱۰-۱۹۷۰ بر پایه مدل رشد منکیو-رومر و ویل و مدل رگرسیون سری‌های زمانی با استفاده از علیت انگل گرنجر مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن است که سرمایه‌ی انسانی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته است.

لین و چن^۲ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای به بررسی رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت بین سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشورهای OECD طی دوره زمانی ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۵ پرداخته‌اند. نتایج حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت و بلندمدت برای تمام کشورهای مورد بررسی بوده است.

از مطالعات تجربی داخلی و خارجی می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه انسانی تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته است و در مطالعات داخلی و خارجی نقش تعدیل‌گری حکمرانی خوب بر تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار نگرفته است.

معرفی الگو و روش‌شناسی

۴. تصریح مدل تجربی

در این پژوهش برای بررسی نقش تعدیل‌گر حکمرانی خوب در ارتباط با تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه منا بر اساس مبانی نظری و تجربی و به‌خصوص مقاله محمد و همکاران (۲۰۱۵) و ژانگ و همکاران (۲۰۲۳) رابطه (۱) به‌عنوان الگوی پژوهش تصریح شده است.

$$GDP_{it} = \beta_0 + \beta_1 HC_{it} + \beta_2 K_{it} + \beta_3 n_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

بر اساس رابطه (۱)

متغیر وابسته:

GDP = بر اساس شاخص برابری قدرت خرید (PPP)

متغیرهای مستقل:

HC = شاخص سرمایه انسانی

K = ذخیره سرمایه بر اساس شاخص (PPP)

n = رشد جمعیت

سپس برای نقش تعدیل‌گر حکمرانی خوب در ارتباط با تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی، کشورها را به سه دسته کشورهای با حکمرانی خوب، حکمرانی متوسط و حکمرانی پایین تقسیم می‌کنیم. به‌منظور محاسبه شاخص حکمرانی شش دسته شاخص جداگانه که شامل حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت هستند، در نظر گرفته می‌شود. از آنجایی که شاخص‌های حق اظهارنظر و پاسخگویی و ثبات سیاسی، در رابطه بین سرمایه انسانی و رشد

1. Sarwar et al.
2. Lin & Chen

اقتصادی، احتمالاً حداقل تأثیر را دارند (اوسیوب^۱، ۲۰۱۹)، لذا در محاسبه شاخص WGI^۲ این دو مؤلفه را حذف کرده و شاخص حکمرانی را از رابطه زیر محاسبه می‌کنیم:

$$WGI = (RS + CC + RQ + GE) / 4 \quad (2)$$

که در این رابطه داریم (محمد و همکاران، ۲۰۱۵):

RS: حاکمیت قانون

CC: کنترل فساد

RQ: کیفیت بوروکراسی

GE: اثربخشی دولت

دوره زمانی این پژوهش سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۲۲ در نظر گرفته شده است و داده‌ها از وب‌گاه بانک جهانی گردآوری شده است. سپس شاخص ترکیبی حکمرانی (که میانگین ۴ شاخص فوق است)، برای تمام کشورها محاسبه شده و بر اساس اعداد به‌دست‌آمده، کشورهای مورد بررسی به سه دسته‌ی کشورهای با حکمرانی بالا (گروه اول)، کشورهای با حکمرانی متوسط (گروه دوم) و کشورهای با حکمرانی پایین (گروه سوم) تقسیم می‌شوند.

جدول ۱. تقسیم‌بندی کشورهای منا بر اساس شاخص حکمرانی

گروه سوم		گروه دوم		گروه اول	
شاخص ترکیبی حکمرانی	کشور	شاخص ترکیبی حکمرانی	کشور	شاخص ترکیبی حکمرانی	کشور
-۴۱/۸۷	الجزایر	-۲۶/۰۳	جیبوتی	۲۸/۱	امارات متحده عربی
-۵۸/۶۹	ایران	-۱۹/۸۵	مصر	۱۲/۶۷	بحرین
-۷۱/۲۶	عراق	-۱۳/۳۰	مراکش	۳۰/۰۸	اردن
-۳۰/۷	لبنان	-۱۳/۴۹	عربستان	۵۸/۲۸	قبرس
-۳۴/۴۶	غزه	-۳/۵۵	تونس	۱۳/۵۶	کویت
-۵۹/۴۰	یمن			۱۶/۶۹	عمان
-۴۵/۳۵	لیبی			۴۳/۵۲	قطر
				۰/۹۴	ترکیه

منبع: محاسبات پژوهش

۴. روش‌شناسی

1. Osiobe
2. Worldwide Governance Indicators



روش برآورد مدل پژوهش بر اساس داده‌های تلفیقی (پانل) است. این روش ترکیبی از داده‌های سری زمانی و داده‌های مقطعی است. در مدل داده‌های سری زمانی و مقطعی نارسایی وجود دارد که در مدل داده‌های تلفیقی می‌توان آن‌ها را کاهش داد. داده‌های تلفیقی دارای اطلاعات بیشتر، هم‌خطی کمتر میان متغیرها و تنوع گسترده‌تری هستند و کارا تر هستند؛ در صورتی که در سری زمانی هم‌خطی بین متغیرها بیشتر است. داده‌های تلفیقی در واقع ترکیبی از داده‌ی مقطعی و سری زمانی است و در نتیجه برآورد معتبرتری را می‌توان داشت. در داده‌های تلفیقی تعداد مشاهدات به NT افزایش یافته که برآورد کارا تری از متغیرها به ما می‌دهد. برای اثبات آن می‌توان واریانس سری زمانی و پانل را مقایسه کرد؛ در داده‌های سری زمانی واریانس به صورت $\hat{\sigma}^2 = \frac{\sigma^2}{NT-K}$ محاسبه می‌شود و در داده‌های تلفیقی به صورت $\hat{\sigma}^2 = \frac{\sigma^2}{NT-N-K}$ قابل محاسبه است و چون مخرج کسر دوم بیشتر است، پس واریانس داده‌های تابلویی کمتر است و کارایی بیشتری دارد.

یافته‌های تجربی و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱. آزمون مانایی متغیرها

به منظور بررسی مانایی متغیرهای این تحقیق، از دو روش لوین^۱ و پسران و شین^۲ استفاده شده است. نتایج آزمون ایستایی متغیرها، که با استفاده از نرم افزار R صورت پذیرفته است، در جدول (۲) ارائه شده است. با توجه به نتایج آزمون مانایی مشاهده می‌شود که متغیرهای رشد اقتصادی و نرخ رشد تشکیل سرمایه در سطح مانا بوده، در حالی که متغیرهای سرمایه انسانی و نرخ رشد جمعیت در تفاضل مرتبه اول مانا می‌شوند. از این رو لازم است در ادامه از همجمع بودن متغیرهای مدل اطمینان حاصل کرد. زیرا در صورت همجمع نبودن متغیرهای مدل رابطه به دست آمده بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل جعلی و ساختگی خواهد بود.

جدول ۲. نتایج آزمون مانایی

نام متغیر	آماره آزمون پسران و شین	مقادیر P- Value	آماره آزمون لوین	مقادیر P- Value
$growth_{it}$	-۵/۵۰	۰/۰۰۰	-۶/۱۵	۰/۰۰۰
نتیجه آزمون	در سطح ایستا است.			
hc_{it}	-۰/۴۸	۰/۳۱	-۰/۸۲	۰/۲
نتیجه آزمون	در سطح ایستا نیست.			
K_{it}	-۴/۳۱	۰/۰۰۰	-۵/۲۱	۰/۰۰۰
نتیجه آزمون	در سطح ایستا است.			
n_{it}	۳/۲۲	۰/۹۹	۶/۵	۱/۰۰
نتیجه آزمون	در سطح ایستا نیست.			
نام متغیر	آماره آزمون پسران و شین	مقادیر P- Value	آماره آزمون لوین	مقادیر P- Value
hc_{it}	-۳/۳۴	۰/۰۰۰	-۵/۷۴	۰/۰۰۰

1. Levin

2. Pesaran & Shin

				نتیجه آزمون
در تفاضل مرتبه اول ایستا است.				
۰/۰۰۰	-۸/۲۷	۰/۰۰۰	-۷/۳۸	n_{it}
در تفاضل مرتبه اول ایستا است.				نتیجه آزمون

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. آزمون همجمعی پانل

برای بررسی همجمعی بودن متغیرها، از آزمون همجمعی کائو^۱ استفاده می‌شود. فرضیه صفر در این آزمون بیان می‌کند که در هر مقطع، متغیرهای آن همجمع نیستند. فرضیه مقابل نیز اشاره به این دارد که برای هر مقطع، یک بردار همجمعی وجود دارد. یکی از خصوصیات خوب این آزمون این است که لزومی ندارد این بردارها برای تمام مقاطع یکسان باشند؛ زیرا بردارهای همجمعی اکیداً همگن نیستند. نتایج آزمون همجمعی متغیرها در جدول (۳) ارائه شده است که نتایج دال بر رد فرضیه صفر می‌باشد.

جدول ۳. نتایج آزمون همجمعی کائو

آماره t	Prob	
-۲/۰۸	*۰/۰۱	ADF

* فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود همجمعی در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ رد می‌شود.

منبع: یافته‌های پژوهش

۳. انتخاب نوع مدل

با توجه به اینکه کشورهای عضو منا را با استفاده از شاخص‌های حکمرانی به سه دسته‌ی کشورهای با حکمرانی بالا، کشورهای با حکمرانی متوسط و کشورهای با حکمرانی پایین، تقسیم‌بندی کرده‌ایم، برای هر دسته از کشورها به صورت جداگانه مدل رگرسیون فوق که به منظور بررسی تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی طراحی شده است، تخمین زده می‌شود؛ اما قبل از تخمین، با استفاده از آزمون F لیمر و آزمون

هاسمن، در مورد نوع مدل انتخابی تصمیم‌گیری می‌شود.

آزمون لیمر



با استفاده از آزمون لیمر (آزمون چاو) در مورد استفاده از روش POOLING یا PANEL تصمیم‌گیری می‌شود. فرض صفر در آزمون F لیمر بر عدم استفاده از پانل دیتا (یعنی استفاده از داده‌های تلفیقی) استوار است. برای رد فرضیه صفر و تأیید استفاده از پانل دیتا می‌بایست سطح معنی‌داری کمتر از $0/05$ باشد. نتایج انجام این آزمون که با استفاده از نرم‌افزار Eviews انجام شده است در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون F لیمر برای انتخاب بین مدل Panel و Pooling

نتیجه آزمون	مقادیر P-Value	آماره آزمون F لیمر	مدل
استفاده از روش پنل	$0/02$	$10/84$	مدل رگرسیون برای کشورهای با حکمرانی بالا
استفاده از روش پولینگ	$0/94$	$0/052$	مدل رگرسیون برای کشورهای با حکمرانی متوسط
استفاده از روش پولینگ	$0/56$	$0/74$	مدل رگرسیون برای کشورهای با حکمرانی پایین

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج آزمون F لیمر، رگرسیون مربوط به کشورهای با حکمرانی بالا را باید با استفاده از روش پنل دیتا تخمین زد اما رگرسیون مربوط به کشورهای با حکمرانی متوسط و کشورهای با حکمرانی پایین را باید با روش پولینگ برآورد کرد.

۴. آزمون هاسمن

همان‌گونه که اشاره شد رگرسیون مربوط به کشورهای با حکمرانی بالا را باید با روش پنل دیتا تخمین زد. در روش پنل به‌منظور تشخیص وجود اثرات ثابت یا وجود اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. فرض صفر در آزمون هاسمن بر عدم استفاده از روش اثرات ثابت (یعنی استفاده روش اثرات تصادفی) استوار است و فرضیه‌ها را می‌توان چنین نوشت:

H_0 : نمی‌توان در تخمین از مدل اثرات ثابت در روش پانل دیتا استفاده کرد (باید از مدل اثرات تصادفی در روش پانل دیتا استفاده کرد).

H_1 : می‌توان در تخمین از مدل اثرات ثابت در روش پانل دیتا استفاده کرد.

برای رد فرضیه صفر و تأیید استفاده از اثرات ثابت می‌بایست سطح معنی‌داری کمتر از $0/05$ باشد. همان‌طور که در جدول (۵) ملاحظه می‌شود سطح معناداری آزمون هاسمن برای هر معادله رگرسیون کشورهای با حکمرانی بالا کمتر از $prob=0/05$ محاسبه شده لذا آزمون هاسمن رأی به استفاده از مدل اثرات ثابت می‌دهد.

جدول ۵. نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل

مدل	آماره آزمون هاسمن	مقادیر P-Value	نتیجه آزمون
مدل رگرسیون برای کشورهای با حکمرانی بالا	۹/۶۵	۰/۰۴	استفاده از مدل اثرات ثابت

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. برآورد مدل

نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن در مورد کشورهای با حکمرانی بالا، متوسط و پایین نشان داده شده است که مدل رگرسیون این کشورها از نوع پانل دیتا با اثرات ثابت است. نتایج تخمین مدل رگرسیون مربوط به این کشورها در جدول (۶) ارائه شده است.

با توجه به جدول (۶) برای کشورهای با سطح حکمرانی بالا ملاحظه می‌شود مقدار P_VALUE آماره F که به منظور بررسی معناداری کل مدل رگرسیون به کار می‌رود، کمتر از ۰/۰۵ است که بیانگر معنادار بودن رگرسیون برآورد شده است. مقدار آماره R^2 معادل ۰/۵۲ محاسبه شده که نشان می‌دهد که مدل ارائه شده توانایی توضیح‌دهندگی ۵۲ درصد تغییرات نرخ رشد اقتصاد در کشورهای با حکمرانی بالا را دارد. در خصوص ضریب متغیرهای مورد بررسی نیز نتایج نشان می‌دهد که ضریب این متغیرها در مدل فوق با تئوری‌های اقتصادی سازگار است. ضریب متغیر سرمایه انسانی مثبت و معنادار است؛ این نتیجه بیانگر این است که در کشورهای با حکمرانی بالا از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های نیروی انسانی در فرایند رشد اقتصادی به نحو مطلوبی استفاده می‌شود، به طوری که با افزایش یک درصد در سرمایه انسانی، نرخ رشد اقتصادی در این کشورها به میزان ۱/۳ درصد افزایش می‌یابد. نرخ رشد جمعیت و نرخ رشد تشکیل سرمایه فیزیکی نیز تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصاد این کشورها دارد.

با توجه به نتایج حاصل از برآورد مدل برای کشورهای با سطح حکمرانی متوسط، ملاحظه می‌شود مقدار آماره R^2 معادل ۰/۶۴ محاسبه شده که نشان می‌دهد که مدل ارائه شده توانایی توضیح‌دهندگی ۶۴ درصد تغییرات نرخ رشد اقتصاد در کشورهای با حکمرانی متوسط را دارد. در خصوص ضریب متغیرهای مورد بررسی نیز نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیرهای سرمایه انسانی و تشکیل سرمایه فیزیکی مثبت و معنادار در حالی که ضریب نرخ رشد جمعیت منفی و از نظر آماری معنادار نیست. مثبت بودن ضریب متغیر سرمایه انسانی بیانگر این است که در کشورهای با حکمرانی متوسط از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های نیروی انسانی در فرایند رشد اقتصادی استفاده می‌شود، به طوری که با افزایش یک درصد در سرمایه انسانی، نرخ رشد اقتصادی در این کشورها به میزان ۰/۷۵ درصد افزایش می‌یابد که نشان می‌دهد در این کشورها نسبت به کشورهای با حکمرانی بالا تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی کمتر است. نرخ رشد تشکیل سرمایه فیزیکی نیز تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصاد این کشورها دارد، به طوری که ضریب این متغیر در مقایسه با کشورهای با حکمرانی بالا بیشتر است که نشان می‌دهد در کشورهای با حکمرانی متوسط در مقایسه با کشورهای با حکمرانی بالا بیشتر رشد اقتصادی از طریق تشکیل سرمایه فیزیکی اتفاق می‌افتد.

جدول ۶. نتایج تخمین مدل‌های رگرسیون در سه گروه کشورهای مورد بررسی

نتایج تخمین رگرسیون کشورهای با حکمرانی بالا

نام متغیر	ضرایب	مقادیر t-value	مقادیر P-value
C	-۲۳۱/۱۳	-۴/۹۳۷	۰/۰۰
Growth (-1)	۰/۰۱	۰/۰۸	۰/۹۳
HC	۱/۳	۴/۴۳	۰/۰۰
N	۰/۳۱	۲/۲۲	۰/۰۳
K	۰/۰۹	۲/۲۴	۰/۰۳
F statistic		۴/۲۰ (۰/۰۰۱)	
R-Squared		۰/۵۲	
Adj. R-Squared		۰/۳۹	
D.W		۱/۸۹	

نتایج تخمین رگرسیون کشورهای با حکمرانی متوسط

نام متغیر	ضرایب	مقادیر t-value	مقادیر P-value
Growth (-1)	۰/۰۱	-۱	۰/۳۲
HC	۰/۷۵	۲/۴۱	۰/۰۲
N	-۰/۰۱	-۰/۰۲	۰/۰۷
K	۰/۲	۳/۱۸	۰/۰۰۴
R-Squared		۰/۶۴	
Adj. R-Squared		۰/۵۲	
D.W		۱/۹۶	

نتایج تخمین رگرسیون کشورهای با حکمرانی پایین

نام متغیر	ضرایب	مقادیر t-value	مقادیر P-value
Growth (-1)	-۰/۵۳	-۱/۵۹	۰/۱۲
HC	۰/۳۶	۰/۶۵	۰/۵۱
N	۰/۲۳	۰/۳۱	۰/۷۵
K	۰/۲۹	۵/۹	۰/۰۰
R-Squared		۰/۶۰	
Adj. R-Squared		۰/۵۶	
D.W		۲/۰۲	

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج برآورد مدل برای کشورهای با سطح حکمرانی پایین نتایج آزمون F لیمر نشان داد که مدل رگرسیون این کشورها از نوع POOLING است. مقدار آماره R^2 معادل $۰/۶$ محاسبه شده که نشان می‌دهد که مدل ارائه شده توانایی توضیح دهندگی ۶۰ درصد تغییرات نرخ رشد اقتصاد در کشورهای با حکمرانی پایین را دارد. در خصوص ضریب متغیرهای مورد بررسی نیز نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیرهای سرمایه انسانی و نرخ رشد جمعیت معنادار نیست و ضریب متغیر نرخ تشکیل سرمایه فیزیکی

مثبت و معنادار است. ضریب متغیر سرمایه انسانی معنادار نیست، این نتیجه بیانگر این است که در کشورهای با حکمرانی پایین این متغیر، نقشی در توضیح رشد اقتصادی این کشورها ندارد. نرخ رشد تشکیل سرمایه فیزیکی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصاد این کشورها دارد، به طوری که ضریب این متغیر در مقایسه با کشورهای با حکمرانی بالا و متوسط بیشتر است که نشان می‌دهد در کشورهای با حکمرانی پایین در مقایسه با کشورهای با حکمرانی بالا و متوسط بیشتر رشد اقتصادی از طریق تشکیل سرمایه فیزیکی اتفاق می‌افتد.

خلاصه، بحث، نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

سرمایه انسانی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد و توسعه اقتصادی است. نیروی انسانی کارآمد، منجر به افزایش تولید و رشد اقتصادی می‌شود. همچنین سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و افزایش سهم آن در کل سرمایه‌گذاری منجر بهره‌برداری صحیح از منابع فیزیکی می‌شود و از طرف دیگر بی‌توجهی به عامل سرمایه انسانی یکی از دلایل توسعه‌نیافتگی در کشورهای در حال توسعه است. به طور کلی انباشت سرمایه انسانی یکی از موضوعات کلیدی و مهم در توسعه اقتصادی تمام کشورها است. با این حال نقش دولت و یا به عبارتی نوع حکمرانی دولت در استفاده از ظرفیت رشد اقتصادی بسیار مهم است؛ بنابراین در این پژوهش به بررسی نقش تعدیل‌گر حکمرانی خوب بر تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در کشورهای منطقه با بهره‌گیری از داده‌های پانل طی دوره ۲۰۰۰-۲۰۲۲ پرداخته شده است. بدین منظور کشورهای منطقه منا در سه گروه با حکمرانی بالا، متوسط و پایین تقسیم شده‌اند.

نتایج این مطالعه نشان داد که آن دسته از کشورهای عضو منا که دارای حکمرانی بالا (امارات متحده عربی، بحرین، اردن، قبرس، کویت، عمان، قطر و ترکیه) هستند، سرمایه انسانی، بیشترین تأثیر را در نرخ رشد اقتصادی دارد؛ به طوری که با افزایش یک درصد در سرمایه انسانی، نرخ رشد اقتصادی در این کشورها به میزان ۱/۳ درصد افزایش می‌یابد. به این معنا که شاخص‌های حکمرانی خوب از طریق حاکمیت قانون، کنترل فساد (از طریق کاهش فعالیت رانتیر دولت) منجر به بهبود و ارتقاء ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سرمایه انسانی در فرآیند رشد اقتصادی می‌شود و از این طریق می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت داشته باشد. همچنین تأثیر متغیرهای نرخ رشد جمعیت و نرخ رشد تشکیل سرمایه فیزیکی بر رشد اقتصادی در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

در مورد آن دسته از کشورهای عضو منا که دارای حکمرانی متوسط (جیبوتی، مصر، مراکش، عربستان و تونس) هستند نیز سرمایه انسانی تأثیر مثبت بر نرخ رشد اقتصادی دارد، اما مقدار این ضریب، از ضریب محاسبه‌شده برای کشورهای با حکمرانی بالا کمتر است. به طوری که با افزایش یک درصد در سرمایه انسانی، نرخ رشد اقتصادی در این کشورها به میزان ۰/۷۵ درصد افزایش می‌یابد که نشان می‌دهد در این کشورها

نسبت به کشورهای با حکمرانی بالا تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی کمتر است؛ بنابراین در این کشورها عملکرد دولت در شاخص‌های حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت بوروکراسی در حد بالایی نبوده، بنابراین تأثیر بالایی در ارتباط با رشد اقتصادی نداشته است.

نرخ رشد تشکیل سرمایه فیزیکی نیز تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصاد این کشورها دارد، به طوری که ضریب این متغیر در مقایسه با کشورهای با حکمرانی بالا بیشتر است که نشان می‌دهد در کشورهای با حکمرانی متوسط در مقایسه با کشورهای با حکمرانی بالا بیشتر رشد اقتصادی از طریق تشکیل سرمایه فیزیکی اتفاق می‌افتد. در این دسته از کشورها نیز اهمیت سرمایه انسانی در توضیح نرخ رشد اقتصادی، بیشتر از اهمیت سرمایه فیزیکی است (ضریب سرمایه انسانی بزرگ‌تر از ضریب سرمایه فیزیکی است).

در کشورهای عضو منا که دارای حکمرانی پایین (الجزایر، ایران، عراق، لبنان، فلسطین و یمن) هستند، سرمایه انسانی اهمیتی در نرخ رشد اقتصادی ندارد (ضریب این متغیر معنادار نشده است) که می‌تواند ناشی از ثبات سیاسی ضعیف، عدم حاکمیت قانون، فساد بالا (در نتیجه افزایش فعالیت‌های رانتیر دولت) و جنگ و کودتا باشد که منجر می‌شود که فعالیت‌های اثربخشی لازم را نداشته باشد و باعث تضعیف سرمایه انسانی کارآمد شده و زمینه خروج آن‌ها از کشور (فرار مغزها) شده و نبود سرمایه انسانی کارآمد منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌شود و در مقابل بیشترین تأثیر را بر نرخ رشد اقتصادی در این کشورها، تشکیل سرمایه (سرمایه فیزیکی) داشته است.

بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان بدین نتیجه دست یافت که با به کارگیری سیاست‌ها و اقدامات مناسب در جهت بهبود کیفیت حکمرانی مطلوب می‌توان از پتانسیل‌ها و فرصت‌های خلق شده در جهت ارتقاء بهره‌وری سرمایه انسانی بهره برد. لذا حکمرانی خوب از طریق حذف قواعد دست و پاگیر، کاهش بوروکراسی، ارتقاء کارایی و اثربخش دولت بهبود بهره‌وری نیروی کار و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی را رقم خواهد زد؛ بنابراین حکمرانی خوب از طریق اجماع نخبگان حاکم برای دستیابی به توسعه و اتخاذ راهبردهای مؤثر در جهت تقویت حوزه خصوصی، دولت و جامعه مدنی و استفاده و باز تولید مؤلفه‌های فراوان موجود در منابع انسانی کشور در جهت تقویت نهادهای مدنی جامعه، می‌تواند به عنوان ممکن‌ترین و قابل حصول‌ترین راه برای دستیابی به رشد اقتصادی قلمداد شود.

سپاسگزاری

نویسندگان مقاله از سردبیر و داوران گرامی که با ارائه نظرات علمی باعث افزایش کیفیت علمی مقاله شده‌اند، تشکر و قدردانی خود را اعلام می‌دارند.

حامی مالی



این مقاله بدون حامی مالی انجام شده است.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان مقاله با رعایت اخلاق پژوهش، با سهم یکسان در مقاله مشارکت داشتند.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند، هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی رایت

نویسندگان اعلام می‌دارند، حق کپی رایت رعایت شده است.



منابع

- افقه، سید مرتضی؛ منصوری، سیدامین؛ ملتفت، حسین و بهاروند، پرستو. (۱۴۰۱). بررسی اثرات تغییرات جمعیت و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی ایران. *اقتصاد با ثبات*، ۳(۱)، ۱۸۵-۱۶۱.
- جنتی مشکانی، ابوالفضل؛ سامتی، مرتضی؛ خوش اخلاق، رحمان؛ دلالی اصفهانی، رحیم و عمادزاده، مصطفی. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر هزینه‌های آموزش بر سرمایه انسانی و رشد اقتصادی با استفاده از مدل تعادل عمومی قابل محاسبه. *تحقیقات اقتصادی*، ۲(۵)، ۱۳۰-۱۰۳.
- حسینی، سعید؛ عمادزاده، مصطفی و دائی کریمزاده، سعید. (۱۴۰۱). جهانی شدن، انباشت سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در منتخبی از کشورهای در حال توسعه، *اقتصاد مقدری*، ۱۹(۲)، ۱۵۰-۱۱۱.
- حیدری، حسن و علی‌نژاد، رقیه (۱۳۹۴). بررسی کارایی دولت و توسعه مالی بر رشد اقتصادی: مشاهداتی از هشت کشور بزرگ اسلامی، *اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، ۲۲(۹)، ۱۸۷-۱۶۱.
- دهقان‌شبابی، زهرا؛ زهتاب، محمد و جمشیدی، ندا. (۱۳۹۸). تأثیر آستانه‌ای توسعه در اثرگذاری سرمایه انسانی بر رشد منطقه‌ای ایران. *راهنمای اقتصادی*، ۸(۲۸)، ۱۷۳-۱۴۷.
- رجب‌زاده مغانی، ناهید؛ سلیمی‌فر، مصطفی و سیدآقاحسینی، سید محسن. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با استفاده از روش GMM. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۱(۱)، ۱۹-۱.
- رحمانی فضلی، هادی؛ نیکنام، فتنه؛ آسایش، حمید و شمس‌اللهی، رضا. (۱۴۰۲). تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، *مطالعات توسعه اجتماعی و اقتصادی*، ۱(۲)، ۱۸-۱.
- شاکری، محبوبه؛ جعفری صمیمی، احمد و کریمی موغاری، زهرا. (۱۳۹۴). ارتباط بین متغیرهای نهادی و رشد اقتصادی: معرفی شاخص‌های نهادی جدید برای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۲۱(۶)، ۱۰۶-۹۳.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و بهاری، زهره. (۱۳۹۲). تأثیرات مثبت سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه، *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۴(۱۶)، ۷۲-۵۳.
- صادقی، حسن؛ صامتی، مجید و سامتی، مرتضی. (۱۳۹۰). تأثیر جهانی شدن اقتصادی بر اندازه دولت: مطالعه موردی کشورهای منتخب آسیایی. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۲(۶)، ۲۴۹-۲۰۹.
- صالحی فریدونی، عاطفه؛ علمی، میلا (زهرا) و عیسی‌زاده، یوسف. (۱۳۹۹). اثر فرار مغزها بر رشد اقتصادی در منطقه منا. *پژوهشنامه اقتصاد کلان*، ۱۵(۲۹)، ۲۵۹-۲۳۱.
- قیاسی، مجتبی؛ سرلک، احمد و غفاری، هادی. (۱۳۹۷). سرمایه انسانی و رشد اقتصادی استان‌های ایران. *پیاورد سلامت*، ۱۲(۴)، ۳۰۸-۲۹۶.

کریمی، محمد شریف؛ حیدریان، مریم و دورباش معصومه. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط بین شاخص های حکمرانی بر رشد اقتصادی در ایران: با رویکرد تصحیح خطای برداری. *جامعه شناسی اقتصاد و توسعه*، ۳(۳)، ۱۲۷-۱۵۵.

کمالی دهکردی، پروانه؛ نظری زانیانی، علی؛ مکیان، سید نظام الدین و دهقانی شاهزاده بیگمی، فاطمه. (۱۳۹۸). اثر انواع سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی استانهای ایران. *سیاست های راهبردی و کلان*، ۱(۱)۷، ۸۵-۶۶.

مظفری، زانا. (۱۴۰۰). اثر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی ایران؛ رها فیت GMM در سری های زمانی و منطق فازی، *تحقیقات اقتصادی*، ۵۶(۱)، ۱۷۲-۱۴۵.

نگین تاجی، زریب و زمان زاده، اکبر. (۱۴۰۰). تأثیر آموزش بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از روش بیزی چارکی. *مدلسازی اقتصاد سنجی*، ۶(۲۱)، ۹۳-۶۵.

References

- Afghah, M; Mansouri, S. A; Moltafet, H; & Baharvand, P. (2022). Investigating the effect of demographic changes and human capital on economic growth in Iran. *Stable Economy Journal*, 3(1), 161-185. (In Persian).
- Ahmad, M; & Khan, R. E. A. (2018). Age-structure, human capital and economic growth in developing economies: A disaggregated analysis. *Pakistan Journal of Commerce and Social Sciences (PJCSS)*, 12 (1): 229-252.
- Alam, M. R; Kiterage, E; & Bizuayehu, B. (2017). Government effectiveness and economic growth. *Economic Bulletin*, 37(1), 222-227.
- Alataş, S; & Çakır, M. (2016). The effect of human capital on economic growth: A panel data analysis. *Yönetim Bilimleri Dergisi*, 14(27), 539-555.
- Amna Intisar, R; Yaseen, M. R; Kousar, R; Usman, M; & Makhdum, M. S. A. (2020). Impact of trade openness and human capital on economic growth: a comparative investigation of Asian countries. *Sustainability*, 12(7), 2930.
- Arabi, K. A. M; & Abdalla, S. Z. S. (2013). The impact of human capital on economic growth: Empirical evidence from Sudan. *Research in World Economy*, 4(2), 43.
- Barro, R. J. (1999). Determinants of democracy. *Journal of Political economy*, 107(S6), S158-S183.
- Bayar, Y. (2016). Public governance and economic growth in the transitional economies of the European Union. *Transylvanian Review of Administrative Sciences*, 12(48), 5-18.
- Becker, G. (1964). Human capital: A theoretical and empirical analysis, with special reference to education. Chicago: University of Chicago Press.
- Cornell, A; Knutsen, C. H; & Teorell, J. (2020). Bureaucracy and growth. *Comparative Political Studies*, 53(14), 2246-2282.
- Cox, G. W; & Weingast, B. R. (2018). Executive constraint, political stability, and economic growth. *Comparative Political Studies*, 51(3), 279-303.
- De Soto, C. B; O'Donnell, W. E; & De Soto, J. L. (1989). Long-term recovery in alcoholics. *Alcoholism: Clinical and Experimental Research*, 13(5), 693-697.

Deghan Shabani, Z; Zehtab, M; & Jamshidi, N. (2019). The Effect of the Level of Development Threshold on the Impact of Human Capital on the Regional Economic Growth in Iran. *Economic Strategy*, 8(28), 147-173. (in Persian).

Ghiasi, M. (2018). Human Capital and the Economic Growth in Iran's Provinces. *Payavard Salamat*, 12(4), 296-308. (In Persian).

Heidari, H; & Alinezhad, R. (2015). An Investigation of the Effects of Government Effectiveness and Financial Development on Economic Growth: Some Evidence from Developing-8 Countries. *Journal of economics and regional development*, 22(9), 161-187. (In Persian).

Hosseini Yazdi, S. S; Emadzadeh, M; & Daei-Karimzadeh, S. (2022). Globalization, human capital accumulation and economic growth in selected developed and developing countries. *Quarterly Journal of Quantitative Economics (JQE)*, 19(2), 111-150. (In Persian).

Huntington, S. P. (1967). The bases of accommodation. *Foreign Aff*; 46, 642.

Jameel, S; & Naeem, M. Z. (2016). Impact of human capital on economic growth: A panel study. *Bulletin of Business and Economics (BBE)*, 5(4), 231-238.

Janati Mashkani, A; Sameti, M; & Emadzadeh, M. (2011). The impact of education expenditures on human capital and economic growth in Iran: A computable general equilibrium approach. *Journal of Economic Modeling Research*, 2(5), 103-130. (In Persian).

Kamali Dehkordi, P; Nazari Zaniani, A; Makiyan, S. N; & Dehghani, F. (2019). The Effect of the Different Kinds of Capital on Economic Growth of Selected Provinces of Iran. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 7(25), 66-85. (In Persian).

Kartal, Z; Zhumasheva, A; & Acaroglu, H. (2017). The effect of human capital on economic growth: A time series analysis for Turkey. In *Regional Studies on Economic Growth, Financial Economics and Management: Proceedings of the 19th Eurasia Business and Economics Society Conference* (pp. 175-191). Springer International Publishing.

Leff, N. H. (1964). Economic development through bureaucratic corruption. *American behavioral scientist*, 8(3), 8-14.

Li, H; Xu, L. C; & Zou, H. F. (2000). Corruption, income distribution, and growth. *Economics & Politics*, 12(2), 155-182.

Lin, F; & Chen, J. (2012, September). A Study on the Interactive Relationship between Regional Human Capital and Industrial Structure Adjustment in Shanghai. In *Proceedings of the Sixth International Conference on Management Science and Engineering Management: Focused on Electrical and Information Technology* (pp. 483-492). London: Springer London.

Liu, D; Wang, G; Sun, C; Majeed, M. T; & Andlib, Z. (2023). An analysis of the effects of human capital on green growth: effects and transmission channels. *Environmental Science and Pollution Research*, 30(4), 10149-10156.

Lyon, P. (2000). Partnership for good governance in the 21st century. *Australian Journal of Public Administration*, 59(3), 87-93.

Mauro, P. (1997). The effects of corruption on growth, investment, and government expenditure: A cross-country analysis. In K. A. Elliott (Ed.), *Corruption and the global economy*, 83–107, Washington, DC: Institute for International Economics.

Minser, J. (1958). Investment In Human Capital and Personal Income Disturbution. *Journal of Political Economy*, 66, 281-302.

Mo, P. H. (2001). Corruption and economic growth. *Journal of comparative economics*, 29(1), 66-79.

Mohamed, E. S. (2022). Female Human Capital and Economic Growth in Sudan: Empirical Evidence for Women's, *Empowerment. Merits*, 2(3), 187-209.

Mozaffari, Z. (2021). The effect of human capital on economic growth in Iran; GMM in time series approach and fuzzy logic. *Journal of Economic Research (Tahghighat-E-Eghtesadi)*, 56(1), 145-172. (In Persian).

Muhammad, A; Egbetokun, A; & Memon, M. H. (2015). Human capital and economic growth: the role of governance. *The Pakistan Development Review*, 529-548.

Negintaji, Z; & Zamanzadeh, A. (2021). The effect of education on economic growth in Iran: Using a Bayesian quantile method. *Journal of Econometric Modelling*, 6(2), 65-93. (In Persian).

Ogbeifun, L; & Shobande, O. A. (2022). A reevaluation of human capital accumulation and economic growth in OECD. *Journal of Public Affairs*, 22(4), e2602.

Osiobe, E. U. (2019). A literature review of human capital and economic growth. *Business and Economic Research*, 9(4), 179-196.

Pelinescu, E. (2015). The impact of human capital on economic growth. *Procedia Economics and finance*, 22, 184-190.

Pellegrini, L; & Gerlagh, R. (2004). Corruption's effect on growth and its transmission channels. *Kyklos*, 57(3), 429-456.

Rahmani Fazli, H; Niknam, F; Asayesh, H; & Shamsollahi, R. (2023). The Impact of Social Capital on Economic Growth: in Selected Developed and Developing Countries. *Social-Economic Development Studies*, 1(2), 1-18. (In Persian).

Rajabzadeh Moghani, N; Salimifar, M; & Seyyed Agha Hosseini, S. M. (2023). The impact of human capital investment on economic growth in the MENA countries, using the dynamic panel data estimated by GMM method. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 21(1), 1-19. (In Persian).

Sadeghi, H; Sameti, M; & Sameti, M. (2012). Effect of Economic Globalization on Government Size (Surveying the Selected Asian Countries). *Economic Growth and Development Research*, 2(6), 249-209. (In Persian).

Saha, S; & Sen, K. (2019). The corruption–growth relationship. *Journal of comparative economics*, New York, 52-58.

Salehi Fereidooni, A; Elmi, Z. M; & Eisazadeh Roshan, Y. (2020). The effect of brain drain and economic growth in the MENA region. *Macroeconomics Research Letter*, 15(29), 231-259. (In Persian).



Sarwar, A; Khan, M. A; Sarwar, Z; & Khan, W. (2021). Financial development, human capital and its impact on economic growth of emerging countries. *Asian Journal of Economics and Banking*, 5(1), 86-100.

Schultz, T. W. (1961). Investment in human capital. *The American economic review*, 51(1), 1-17.

Shahabadi, A; & Bahari, Z. (2014). Effect of Political Stability and Economic Freedom on the Economic Growth in Selected Developed and Developing Countries. *Quarterly Journal of Economic Growth and development research*, 4(16), 72-53. (In Persian).

Shakeri, M; Jafari Samimi, A; & Karimi Moughari, Z. (2015). The relationship between institutional variables and economic growth: Introducing a new institutional measure for Middle East and North Africa (MENA). *Economic Growth and Development Research*, 6(21), 93-106. (In Persian).

Tanzi, V; & Davoodi, H. (1998). Corruption, public investment, and growth. In *The welfare state, public investment, and growth: selected papers from the 53 rd congress of the International Institute of Public Finance* (pp. 41-60). Springer Japan.

Vanli, T. (2023). Optimal governance for economic growth and environment: evidence from the United Kingdom. *Journal of Environmental Economics and Policy*, 12(3), 260-284.

Wang, Y; & Liu, S. (2016). Education, human capital and economic growth: Empirical research on 55 countries and regions (1960-2009). *Theoretical Economics Letters*, 6(2), 347-355.

Wei, S. J. (2000). How taxing is corruption on international investors?. *Review of economics and statistics*, 82(1), 1-11.

Welsch, H. (2004). Corruption, growth, and the environment: a cross-country analysis. *Environment and Development Economics*, 9(5), 663-693.

Yang, X. (2020). Health expenditure, human capital, and economic growth: an empirical study of developing countries. *International journal of health economics and management*, 20(2), 163-176.

Zhang, L; Godil, D. I; Bibi, M; Khan, M. K; Sarwat, S; & Anser, M. K. (2021). Caring for the environment: How human capital, natural resources, and economic growth interact with environmental degradation in Pakistan? A dynamic ARDL approach. *Science of the Total Environment*, 774, 145553.

Zhang, Y; Kumar, S; Huang, X; & Yuan, Y. (2023). Human capital quality and the regional economic growth: Evidence from China. *Journal of Asian Economics*, 86, 101593.

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.

